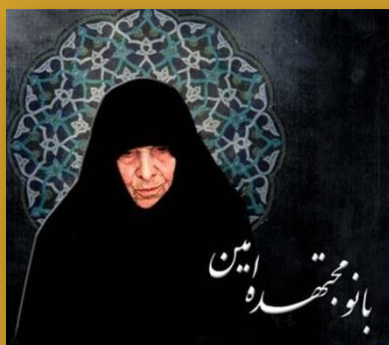


حافظ

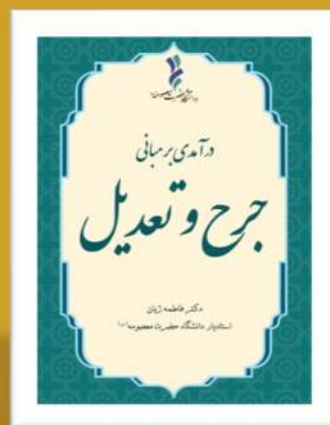


انجمن علمی قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه
سال اول / شماره اول / پاییز ۱۴۰۱

در این شماره می‌خوانید



- زندگی‌نامه بانو مجتهده امین
- معرفی کتاب «درآمدی بر مبانی جرح و تعدیل»
- معرفی رشته علوم قرآن و حدیث



- پژوهش‌ها و دست‌نوشته‌های دانشجویان

و مطالب خواندنی دیگر ...

سافت



نشریه علمی صافات
فصلنامه انجمن علمی قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه
سال اول / شماره اول / پاییز ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: انجمن علمی قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه
مدیرمسئول: حجت‌الاسلام والمسلمین سیدضیاءالدین علیاء نسب
سرمدیر و مدیر اجرایی: فاطمه شادکام
هیئت تحریریه:

- فاطمه شادکام
- بهناز محمدکاظمی
- فاطمه عباسی
- زهره کاشانی
- نیلوفر احمدپور
- فاطمه یازندپور
- زهرا شعبان‌نژاد
- فاطمه اسکندری

صفحه‌آرایی: نشر
ویراستاری: ع. صهبا

اساتید گرامی و دانشجویان عزیز می‌توانید انتقادات و پیشنهادهای خود را به رایانامه نشریه به آدرس saffat.hmu@gmail.com ارسال نمایید.
تمامی پیشنهادهای و انتقادات به‌طور مستقیم به‌دست سردبیر می‌رسد و بدیهی است نظرها درجهت بهبود کیفیت نشریه بررسی و اعمال می‌شود.

حیات

انجمن علمی قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام
سال اول / شماره اول / پاییز ۱۴۰۱

فهرست

| | |
|----|------------------------------------|
| ۵ | سخن سردبیر |
| ۶ | مشاهیر |
| ۸ | معرفی کتاب |
| ۹ | معرفی رشته علوم قرآن و حدیث |
| ۱۶ | پژوهش‌ها و دست‌نوشته‌های دانشجویان |
| ۲۶ | گزارش فعالیت‌های انجمن |



سخن سردبیر

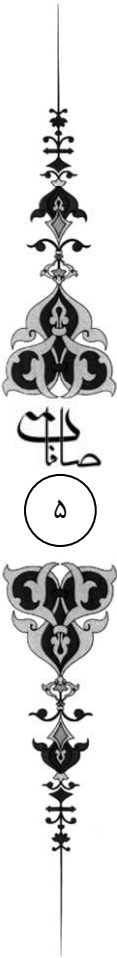
قال علیؑ: **بِإِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ وَ نُوْرُ الْبَصَارِ مِنَ الْعَمَى وَ قُوَّةُ الْبَدَانِ مِنَ الضَّعْفِ**: به راستی که دانش، مایه حیات دل‌ها، روشن کننده دیدگان کور و نیروبخش بدن‌های ناتوان است (تحف العقول، ص ۲۸).

نشریه حاضر با عنوان «صافات»، به یاری الهی و تلاش انجمن علمی قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومهؑ و با همراهی جمعی از اساتید و محققان نگاشته شده است و تلاش می‌کند تا موضوعات به‌روز قرآنی و حدیثی متعددی را با رویکرد پژوهشی، بررسی و تحلیل نموده و در اختیار علم دوستان قرار دهد.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که نشریه «صافات» نخستین نشریه علمی انجمن قرآن و حدیث بوده و طبیعتاً دارای نقصان و کاستی‌هایی است؛ بدین خاطر از اساتید بزرگوار، دانشجویان عزیز و خوانندگان محترم درخواست می‌شود با ارائه پیشنهادات و انتقادات خود ما را در بهبود امر پژوهش یاری فرمایند.

در پایان از تلاش‌های بی‌وقفه مدیریت فرهنگی اجتماعی دانشگاه، و همچنین اساتید گرامی، حضرات آقابان: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدضیاءالدین علیان‌سب، دکتر محسن رفعت و سایر اساتید گرانقدری که در نگارش و تدوین نشریه یاری رساندند، کمال تشکر را دارم.

فاطمه شادکام / سردبیر





در عالم اسلام، زنان همواره ارزش و جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. آیات قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ و نیز سیره معصومان بیانگر اهمیت این مرتبه و جایگاه است و کلام حضرت امیرالمومنین ؑ که فرموده‌اند: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِجَالَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» [نهج البلاغه (للصباحی صالح)، ص: ۴۰۵] دلیلی بر این مدعاست. به‌علاوه، نقش تاثیرگذار بانوان در احیای شعائر دینی و گسترش فرهنگ دین‌مداری در جامعه جدا از تربیت فکری و فرهنگی نسل‌های آینده، حقیقتاً یکی از مهم‌ترین اثرات حضور آنان در جامعه بشری خواهد بود.

تاریخ ایران و اسلام، همواره در طول مقاطع خود، شاهد زنان متعددی بوده که با تلاش‌های علمی در صدد افزایش سطح آگاهی و معرفت افراد جامعه در تمامی عرصه‌های دینی، اجتماعی، فرهنگی و... گام برداشته‌اند و ما همینک نظاره‌گر دستاوردهای بزرگ این اقدامات ارزشمند هستیم. از جمله این افراد «بانو مجتهد امین» است که از مراتب علمی و عملی بالایی برخوردار بوده و به حق، از او به‌عنوان یکی از مفاخر زنان دنیای اسلام یاد شده و یاد خواهد شد.

این بانوی مجتهد و عالمه، به نام سیده نصرت بیگم امین در سال ۱۲۶۵ هجری شمسی در اصفهان زاده شد و با تشخیص مادر بزرگوارش، در سن ۴ سالگی به‌منظور فراگیری خواندن و نوشتن و نیز آموزش قرآن به مکتب رفت؛ گرچه فضای حاکم بر آن ایام غالباً چنین اجازه‌ای را به دختران نمی‌داد.

او در ۱۵ سالگی به همسری پسرعمویش درآمد، اما زندگی خانوادگی و مشغله‌های ناشی از فرزندداری تأثیری در روند فراگیری و تحصیل این بانو بزرگوار نگذاشت. ایشان با تلاش و جدیت هرچه تمام تر، در مسیر کسب دانش گام بر داشته و در زمینه‌های گوناگون علوم دینی همچون فقه و اصول و زبان عربی به تحصیل و مطالعه پرداختند تا آنجا که در سن ۲۰ سالگی حکمت و فلسفه را نیز فراگرفته و نهایت استفاده را از تمام فرصت‌های خود در مسیر علم آموزی بردند.

اوقات زندگی این بانو بزرگوار اکثراً در منزل و به فراگیری درس و علم می‌گذشت، اما با این حال ایشان در ایامی که نیاز به حضور در جامعه و دفاع از ارزش‌ها و عقاید حس می‌شد، به تدریس و راهنمایی بانوان می‌پرداختند.

مصادف با ۳۵ سالگی او، در دوران حکومت رضاشاه، اندیشه‌های تجددخواهی و تبلیغات وسیع اسلام‌زدایی، جنگ روانی گسترده‌ای را در ایران به راه انداخته و در آن ایام، تهران و اصفهان (زادگاهش) آماج فعالیت‌های تجددخواهی بعضی از بانوان قرار گرفته بودند، اما عزم و اعتقاد راسخ این بانوی بزرگوار، مانع از آن گشت تا اندک تزلزلی در اندیشه‌ها و باورهای دینی‌شان پدید آید.

وی پس از طی مدارج علمی و بهره‌مندی از محضر اساتید زمان خویش، در ۴۰ سالگی موفق به اخذ درجه اجتهاد شد. زندگی این بانو همواره ساده، بی‌تکلف و به‌دور از هرگونه مادی‌گرایی سپری گشت و اطرافیان مجذوب این اخلاق و رفتار او بودند.

از ۸ فرزندى که خدا به ایشان عطا فرمود، ۷ فرزند به دلیل بیماری از دست رفتند اما تنها «صبر» بود که توانست عزم این بانوی فرزانه را بر ادامه زندگی در تمام ابعاد و ادوار خود، تقویت کند و بنابراین او هیچ‌گاه زبان به شکوه نگشود. از بانو امین بیش از ۳۰ عنوان کتاب از جمله یک دوره «تفسیر قرآن کریم» برجای مانده است.

توجه ویژه ایشان به موضوع «علم‌آموزی زنان» موجب گشت تا در سال ۱۳۴۴ هجری حوزه‌ای به نام «مکتب فاطمه (س)» مختص بانوان تاسیس نماید که بعدها حدود ۶۰۰ الی ۱۰۰۰ شاگرد در رشته‌های فقه، اصول، حکمت، عرفان، فلسفه و... در آن به تحصیل پرداختند. همچنین تاسیس دبیرستانی دخترانه در شهر اصفهان، از دیگر اقدامات این بانوی فرهیخته به‌منظور هموار نمودن تحصیل دختران در خانواده‌های مذهبی است.

مفسر بزرگ، مجتهد امین، در سال ۱۳۶۲ هجری و پس از سالها تلاش در تهذیب نفس و تربیت شاگردان و تألیفات گران‌بها، در سن ۹۷ سالگی درگذشت و در زادگاهش اصفهان به خاک سپرده شد. ایشان در بخشی از وصیت‌نامه خود نوشته‌اند:

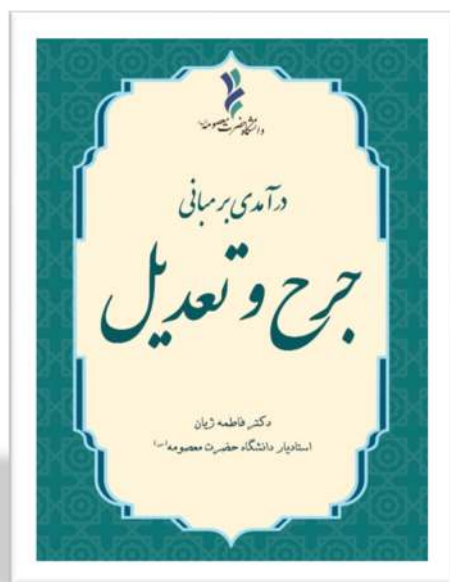
ای فرزند و خویشان و اقوام من، عمده غرض این جانب گنه‌کار توصیه به حق است. توصیه می‌کنم شما را که تقوا را شعار خود گردانید و از نافرمانی حق تعالی و تبعیت از هوای نفس خودداری کنید و بدانید راه پرخطری در پیش دارید. قدری از خواب غفلت بیدار شوید و خانه خود را از غیر خدا خالی گردانید و با تمام قوا روی خود را به طرف آن معبود یگانه بگردانید و حتی الامکان محبت غیر خدا را از دل بیرون کنید؛ زیرا که یگانه ملجأ و پناه دهنده ما اوست و قلب خود را از اوصاف و صفات نکوهیده تخلیه کنید و خود را به صفات نیکو آراسته گردانید.



معرفی کتاب

سنت معصومان^{علیهم السلام} به عنوان یکی از مهمترین ادله دینی از روایاتی بدست می آید که همواره از هیجده آفات حدیثی در امان نبوده اند، آفاتی که گاه به عمد و گاه به سهو بر پیکره احادیث وارد شده است. این امر اندیشمندان اسلامی را بر آن داشته است تا ضوابط و قواعدی برای پذیرش و یا عدم پذیرش روایات در نظر آورد و همواره بررسی سندی و احوالات روایت حدیث را یکی از قرائن تشخیص میزان اعتبار روایات مورد توجه قرار دادند. با گذر زمان و فاصله گرفتن از عصر صدور روایات و نیز از میان رفتن بسیاری قرائن اهمیت بررسی میزان وثاقت راویان حدیث از اهمیت بیشتری برخوردار شد. علم رجال که گاه از آن به جرح و تعدیل یا توثیق و تضعیف نیز یاد می شود، اطلاعات مورد نیاز در بدست آوردن میزان اعتماد به ناقلان حدیث را در اختیار مخاطبان خود قرار می دهد.

در این کتاب پس از بیان ادبیات موضوع، به بیان نظرات و اختلاف آرای رجالیان در توثیقات خاص و عام پرداخته و خواننده را با مختصری از این اختلافات آشنا می سازد و سپس به بیان محورهای جرح و تعدیل می پردازد؛ نویسنده محورهایی از جمله شخصیت فردی و اجتماعی، مناصب و مشاغل، اعتقادات، پایبندی به اخلاق، دانش، میزان و حجم روایات منقول از راویان را از محورهای مورد بحث در کتب رجالی شماره کرده است. گرچه میزان اثرگذاری آنها در اعتماد یا بی اعتمادی به روایت را یکسان نمی داند.



مؤلف: فاطمه زیان

ناشر: دانشگاه حضرت معصومه (س)

زبان: فارسی

سال چاپ: ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۰۰

تعداد صفحات: ۱۷۲

مؤلف: فاطمه زیان

ناشر: دانشگاه حضرت معصومه (س)

زبان: فارسی

سال چاپ: ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۰۰

تعداد صفحات: ۱۷۲



معرفی رشته علوم قرآن و حدیث



پیشینه

قرآن کریم و احادیث منقول از رسول خدا ﷺ و اهل بیت مکرم ایشان  در همه فرق اسلامی به عنوان منابع اصلی شناخت معارف و آموزه‌های دینی می‌باشند.

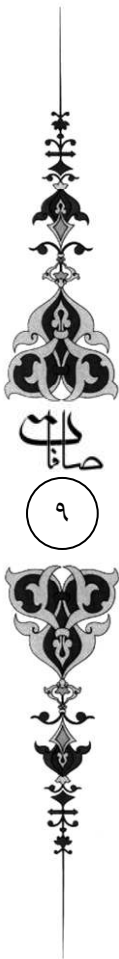
این منابع به طور کلی در بردارنده علوم گوناگونی هستند که هر فرد به تنهایی قادر به یادگیری آنان نبوده و در آن نیازمند آموزش است. از همین رو تعدادی از موضوعات این منابع در قالب تعدادی از واحدهای درسی در این رشته جمع آوری شده و هر ساله به دانشجویان گرامی ارائه می‌گردد.

تفسیر قرآن، جمع‌آوری و بررسی صحت روایات، تاریخ قرآن، تاریخ حدیث و... از جمله موضوعاتی هستند که همواره مورد مطالعه دانشمندان اسلامی بوده و سابقه‌ای به عمر اسلام دارند. این علوم پس از تأسیس دانشگاه‌ها، برای نخستین بار به صورت رشته دانشگاهی در سال ۱۳۱۳ در دانشکده معقول و منقول (دانشکده الهیات امروزی) دانشگاه تهران تدریس گردیده و امروزه نیز در دانشگاه‌های دیگر تدریس می‌شوند.

ضرورت به وجود آمدن چنین رشته‌ای از آنجا معلوم می‌شود که بهره‌وری از قرآن کریم، به عنوان کتابی که مایه هدایت و انسان‌سازی بوده و قانون حیات طیبه را به بشر می‌آموزد، تنها مستلزم تأمین نیروی انسانی کارآمداست. که این امر جز با تقویت رشته‌های دانشگاهی علوم و معارف اسلامی با هدف دفاع علمی و مستند از ساحت دین مبین اسلام، کوشش در جهت کاربردی سازی علوم قرآن و حدیث در راستای پاسخگویی به مسائل روز اجتماعی، تکیه بر مطالعات میان رشته‌ای و تلفیقی و گسترش زمینه پیوند زبان‌شناسی، انسان‌شناسی و علوم تربیتی با این علوم، میسر نمی‌گردد.

تاریخچه مطالعات علوم قرآنی، چنان که اشاره شد، به دوران صدر اسلام بازمی‌گردد. از همین رو ریشه و اساس آن نه تنها در خود قرآن و در زمان رسول اکرم ﷺ بلکه در زمان صحابه و تابعین نیز به طور گسترده قابل پیگیری است. چنان‌که افرادی مانند ابن عباس و حسن بصری، که به ترتیب از صحابه و تابعین بوده اند، اقدام به تلاش‌های گسترده‌ای در این حوزه کرده‌اند و این حرکت علمی در این مسیر متوقف نگشته و روز به روز وسعت دایره آن رو به افزایش است.

بر پایه مدارک موجود، اولین کسی که، به طور مکتوب، بحث و گفت و گو را درباره قرآن آغاز نموده، یحیی بن یعمر





شاگرد برومند ابوالاسود دؤلی (متوفای ۸۹) صاحب کتابی در فن قرائت قرآن است. او کتاب خود را در روستای واسط نگاشته و در آن انواع قرائت‌های مختلف آن دوره را جمع آوری نموده است. پس از او حسن بصری (متوفای ۱۱۰) کتابی در عدد آیات قرآن نوشته تا آنکه سرانجام در قرن هشتم یکی از جامع‌ترین کتب در حوزه علوم قرآنی با عنوان «البرهان فی علوم القرآن» به دست توانای امام بدر الدین محمدبن عبد الله زرکشی (متوفای ۷۹۴) نگاشته شده که در آن به بحث در رابطه با چهل و هفت فن از فنون علوم قرآنی پرداخته شده است. سپس در قرن نهم کتابی دیگر در این حوزه با عنوان «الاتقان فی علوم القرآن» به دست برومند جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱) به رشته تحریر درآمد که این کتاب نیز از معروف‌ترین و جامع‌ترین کتاب‌ها در حوزه علوم قرآنی می‌باشد.

اما برخی پیدایش علوم قرآن را، به‌عنوان دانشی تعریف شده، متعلق به قرن پنجم می‌دانند. تا آنجا که زرکشی (۷۴۵/۷۹۴ق) در البرهان خود چنین می‌نویسد: در علوم قرآن به‌معنای دانشی تدوین یافته، اثر فراگیر و جامعی قبل از قرن سوم نمی‌شناسم و زرقانی (۱۳۶۷ق) پیدایش اولین تألیفات در شاخه‌های علوم قرآن را به قرن سوم می‌رساند و می‌نویسد: از اولین مؤلفان انواع علوم قرآن، علی بن مدینی (۲۳۲ق) است که کتابی در اسباب نزول نوشته و ابو عبید قاسم بن سلام (۲۲۴ق) است که رساله‌ای در ناسخ و منسوخ نگاشته است.

اما در حقیقت در قرون ۳ تا ۵ هجری، که دوره شکوفایی تدوین و تحلیل زمینه‌های مختلف علوم اسلامی است، آثار متعددی در زمینه علوم قرآنی دیده می‌شود که برای مثال می‌توان در میان آنان از کتاب {الفهرست} ابن ندیم با عنوان (شرف القرآن) که در قرن چهارم هجری نوشته شده و بخش اول آن کاملاً به قرآن و علوم قرآنی اختصاص دارد، یاد کرد.

به علاوه در این سه قرن با شخصیت‌هایی که تخصص آنها علوم قرآنی است، مواجه هستیم. برای مثال در قرن سوم می‌توان به ابو عبید قاسم بن سلام به‌عنوان یک عالم علوم قرآنی و قرآن شناس اشاره نمود. او در زمینه فقه و عقاید نیز تفکراتی داشته و کتابی نیز در آن زمینه تألیف نموده است و از جمله کتاب‌های او در حوزه علوم قرآنی کتب «فضائل القرآن»، «الناسخ والمنسوخ فی القرآن»، «لغات القبائل القرآن» و آثار مختلف دیگری که در زمینه‌های مختلف علوم قرآنی تألیف کرده است، می‌باشند که تمامی آنها تحت عنوان مجموعه‌ای به نام مجموعه آثار ابو عبید قاسم بن سلام در علوم قرآنی گردآوری شده‌اند.

همچنین، شخصیت دیگری در قرن چهارم به نام ابوبکر ابن الانباری وضعیت مشابهی دارد که او نیز از جمله کسانی است که می‌توان آن را از شخصیت‌های علوم قرآنی به حساب آورد و کمتر موضوعی در علوم قرآنی یافت می‌شود که او در آن اثری نداشته باشد.

اما به‌طور جدی روند شکل‌گیری علوم قرآنی از قرن ششم به بعد آغاز شده و این درحالی است که تا قبل از آن، به ندرت اصطلاحات علم قرآن و علوم قرآن در آثار موجود دیده می‌شود. تا آنجا که در میان آثار متعلق به این دوره، این اصطلاحات تنها یک مورد و آن هم در کتابی ناشناخته به نام «مقدمات علم القرآن» از محمد بن بحر زُهنی از علمای ایرانی شیعه در قرن چهارم، دیده می‌شود.

در قرن ششم شرایط تغییر پیدا نموده و در آن علوم قرآنی به‌عنوان مجموعه‌ای از علوم در کنار یکدیگر قرار گرفته و یک رشته را پدید آوردند؛ بر خلاف آثاری که تا بدان زمان کاملاً به‌صورت پراکنده به رشته تحریر درآمده بودند. از نمونه تألیفات نیمه اول قرن ششم کتاب «قانون التأویل» از ابن عربی فقیه و در نیمه دوم آن کتاب ابن جوزی با عنوان «عجائب علوم القرآن» است که در بردارنده موضوعات مختلف علوم قرآنی است.

سپس، به مرور زمان با پدید آمدن احساس نیاز در علمای علوم قرآنی به ایجاد نوعی پیوند میان علوم ادبی و علوم

قرآنی، زمینه‌های مشترکی مانند علم معانی، بیان و بدیع در علوم قرآنی به وجود آمد و از همان دوران، چنین احساس نیازی در علوم قرآن به تاریخ نیز شکل گرفت. از همین رو به طور قطع می‌توان چنین گفت که علم علوم قرآنی یک علم بین رشته‌ای است.

موضوع رشته

محوریت اکثر دروس این رشته در دانشگاه مطالعه قواعد و علوم در ارتباط با چگونگی بهره‌گیری از قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم‌السلام است که در ضمن آنان، به چگونگی شکل‌گیری این علوم و سیر تطور آنان در مقاطع مختلف تاریخ اسلام نیز توجه گردیده است. از همین رو دانشجویان این رشته اطلاعات جامعی در زمینه تفسیر قرآن کریم، علوم قرآنی و علوم حدیث به دست می‌آورند که در بخش تفسیر می‌توان به موضوعاتی مانند شان نزول، مفهوم آیات و تفسیرهای مهم قرآن و در بخش علوم قرآنی با علوم خاصی که هر پژوهشگر قرآن باید با آنها آشنا باشد مانند مبحث مجمل و مبین، مفهوم و منطوق، عام و خاص، محکم و متشابه و تاریخ قرآن اشاره کرد. همچنین دانشجویان در بخش حدیث، با علم الحدیث، درایه الحدیث، فقه الحدیث، مجامع حدیثی شیعه و اهل تسنن و تاریخ حدیث آشنا می‌شوند. که یادگیری این علوم تأثیر مستقیمی در فهم صحیح و برداشت‌های بدون انحراف از منابع دینی را دارند. تولیدات علمی این رشته غالباً توسط فقها که وظیفه استنباط احکام الهی از منابع دینی را بر عهده دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به علاوه یادگیری زبان عربی در این رشته از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده که چنین چیزی در حقیقت به اقتضای عربی بودن تمام متون قرآنی و حدیثی است.

ضرورت فعالیت رشته دانشگاهی علوم قرآن و حدیث علی‌رغم وجود حوزه‌های علمیه

دانشگاه یک نهاد مدرن بوده و هدف از تأسیس آن در ایران وارد نمودن علوم نوین در چرخه علم آموزی و تدریس می‌باشد. در مقابل، حوزه علمیه عهده‌دار مطالعه علوم به صورت سنتی در طی سالها بوده و می‌باشد؛ بنابراین، ایجاد رشته‌ای چون علوم قرآن و حدیث در نهاد دانشگاه چنین انتظاری را برمی‌انگیزد که مطالعات قرآنی در آن، بر اساس رویکردها و روش‌های نوین پیگیری شده تا بدین صورت نقش مکمل خود را در مطالعات دینی در کنار حوزه ایفا بکند.

در حوزه‌های علمیه اغلب به «فقه و اصول» پرداخته شده و مراجعه مستقیم به قرآن کریم در آن چندان گسترده نیست، چنانکه در آن تنها در بررسی آیات الاحکام به طور ضروری به قرآن مراجعه می‌شود و از این روست که به اذعان بسیاری از نخبگان و بزرگان، «علوم قرآن» در حوزه چندان مورد توجه واقع نمی‌گردد. یکی از دلایل برپایی درس تفسیر قرآن توسط علامه طباطبایی در قم نیز همین بود که دیدند در حوزه به قرآن و تفسیر آن اهتمام ورزیده نمی‌شود! و بنابراین در حاشیه بودن «قرآن و حدیث» در حوزه‌های علمیه موجب شد تا در چنین حالتی ایجاد یک رشته جامع و مستقل که در حیطه علوم «قرآن» و «حدیث» متمرکز عمل کند، ضروری نماید.

به علاوه مأموریت اصلی حوزه، تبلیغ دین، تقویت بنیان‌های دین، حفاظت از دین در برابر شبهات و تعیین تکلیف مکلفان در برابر مسائل نوپدید است، اما مأموریت و کارویژه اصلی دانشگاه و رشته دانشگاهی علوم قرآن و حدیث نگرش علمی و غیرارزش‌مدارانه به موضوعات دینی است. همین مسئله باعث شده تا نگرش انتقادی به موضوعات قرآنی و حدیثی در دانشگاه امری متداول و معمول باشد. از همین رو این شکل از مواجهه، با آنچه در حوزه دنبال می‌گردد بسیار متفاوت می‌باشد. «حوزه» با نگاهی همدلانه و غیرانتقادی با مسائل قرآن و حدیثی مواجه می‌شود، چراکه پیش‌فرض حوزویان مسلم بودن گزاره‌های دینی است و بنابراین رویکردهای انتقادی بیشتر زمانی اتفاق می‌افتد که نظری مخالف با قرائت رسمی مطرح شود.



در نهایت باید گفت: حوزویان رسالت میراث داری علمای بزرگ گذشته را دارند، به همین سبب همت خود را صرف حفظ معارف و دانش‌های به یادگار مانده از گذشته و شرح و تبیین آنها می‌کنند، اما به‌طور خاص در رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاهی، تمایل بیشتری به سازگاری با موضوعات روز وجود دارد؛ بیش از آنکه این رشته دانشگاهی گذشته‌نگر باشد. به عبارت دیگر خود را در وضعیت حال می‌بیند و به دنبال تعامل روزافزون با جامعه است که طبعاً نتیجه آن تولید دانش‌های روزآمد خواهد بود.

اهداف رشته علوم قرآن و حدیث

الف) اهداف کلی

اهداف ایجاد این رشته به‌طور کلی بر چهار رویکرد اصلی فرهنگ سازی قرآنی، کاربردی سازی معارف قرآنی، نظام سازی قرآنی و هماهنگ سازی امور قرآنی استوار است.

ب) هدف گذاری رشته

دروس مورد تدریس در رشته علوم قرآن و حدیث به فهم و درک صحیح از کتاب و سنت، تشخیص صحت و سقم احادیث و اطلاع از سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه اطهار علیهم السلام و صحابه گرامی کمک می‌کند؛ به‌خصوص آنکه در زمان حال تنها دسترسی به پاره‌ای از کتب مرتبط وجود داشته و از همین رو نیاز مبرمی به فراگیری این دروس احساس می‌شود. به علاوه تلاش‌های بسیاری در این رشته در جهت رسیدن به فهمی شفاف، واضح و روشمند از قرآن و روایات صورت گرفته و خوشبختانه و گام‌هایی در آن، در صدد رسیدن به این هدف برداشته شده است.

«قرآن» و «حدیث» که دو گوهر گران‌بهای الهی هستند و از طرف خداوند برای انسان به ودیعت گذاشته شده‌اند، دارای ژرفایی بس عمیق و عجیب بوده و شناخت و معرفت آنها چنین ایجاب می‌کند تا اندیشمندان و پژوهشگران در آنها نظر نموده و حاصل پژوهش‌ها و اندیشه‌های خود را به دیگران نیز عرضه نمایند تا هم به توسعه علم و دانش کمک کرده و هم زمینه برخورد و تضارب آرا فراهم بگردد.

ج) اهداف جزئی‌تر (هدف تربیت آکادمیک دانش‌آموختگان)

یکی از اهداف بسیار مهم در رشته علوم قرآن و حدیث کاربردی سازی معارف قرآنی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی که یکی از اهداف دیرینه انقلاب اسلامی نیز بوده، می‌باشد. تحقق این امر مستلزم عرضه مسائل روز جامعه به قرآن و گرفتن پاسخ درست از آن است که جز با استفاده از دانش‌های نوین میسر نخواهد بود؛ زیرا حل مسائل جدید نیازمند فهمی به‌روز شده از قرآن کریم است؛ فهمی که متناسب با مقتضیات زمان و مکان و بر اساس زبان و ادبیاتی قابل درک باشد. این «فهم» در رشته «علوم قرآن و حدیث» اتفاق می‌افتد.

از دیگر اهداف این رشته کاربردی، آشنایی دانشجویان با محتوای دینی به‌صورت آکادمیک و علمی است. چنان‌که برنامه‌های آموزشی نیز در آن به گونه‌ای سامان یافته‌اند که دانش‌آموختگان دانشگاهی علوم قرآن و حدیث، بیشتر در حوزه‌های پژوهشی و مطالعاتی توانمند گشته و در نتیجه آن، سایر رشته‌ها و حوزه‌های علمی چه در دانشگاه‌ها و چه خارج از آن، می‌توانند از محصولات علمی آن برای تولیدات خود بهره‌برند. از همین رو می‌توان چنین گفت که یکی دیگر از اهداف این رشته ایجاد فضایی مناسب برای تولید دانش‌های کاربردی است.

به علاوه می‌توان چنین گفت که یکی دیگر از اهداف این رشته ایجاد فضایی جهت تبادل نظر به منظور رهایی از نظرات



منسوخ پیشینیان در گذشته می‌باشد. لذا، تربیت دانش آموختگان مجرب در این عرصه، موجب خلق نظرات و آراء غنی‌تر در حوزه مباحث علوم قرآنی و حدیثی بوده و زمینه را برای تضارب آرا فراهم می‌آورد.

اما هدفی مهم که از جمله اهداف حساس رشته علوم قرآن و حدیث است ایجاد تقریب میان «قرآن» و «سنت» به‌عنوان دو اصل اصیل مورد اتفاق تمام مذاهب اسلامی بوده که مایه وحدت و همبستگی مسلمان می‌باشد. لذا، یکی از اهداف تدریس این رشته تقریب بین مذاهب اسلامی است.

از دیگر اهداف، تربیت اندیشمندانی در حوزه قرآن و حدیث به منظور تبیین مسائل روز جامعه، پاسخ به موج بی‌پایان شبهات و پرسش‌های نوپیدا و نیز تقابل علمی با هجوم ابهامات و ابهام‌های برآمده از تضارب آرا در میان نواندیشان دینی است.

فراهم کردن زمینه‌های لازم جهت اجرایی شدن معارف قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم‌السلام در جامعه و همچنین طرح و برنامه‌ریزی برای زندگی‌ای متعالی از طریق عمل به آیات و روایات نیز از دیگر موارد هدف‌گذاری شده این رشته می‌باشد. رسالتی دیگر در این رشته دانشگاهی، کنارزدن حجاب و تاریکی جهل با ارائه پاسخ‌های منطقی است؛ زیرا چنان‌که فطرت حقیقت‌جو آدمی هرازچندگاهی در تشخیص مصداق حقیقت به خطا رود، با کنار رفتن پرده‌های تاریکی جهل مجدداً به حقیقت می‌گراید و در این روزگار پر جور و جفا، آموزه‌های قرآنی و حدیثی همچون نوری راه‌نما برای انسان راهگشایی می‌کنند.

واحد‌های درسی رشته علوم قرآن و حدیث

رشته کارشناسی علوم قرآن و حدیث از جمله رشته‌های شناوری می‌باشد که در آزمون سراسری از سه گروه آزمایشی علوم تجربی، علوم انسانی و ریاضی دانشجو می‌پذیرد.

این رشته تحصیلی مجموعاً از ۱۳۵ واحد درسی که شامل ۱۲ واحد عمومی، ۳۲ واحد پایه، ۵۶ واحد تخصصی و ۳۵ واحد اختیاری است؛ تشکیل شده است.

۸۸ واحد غیر اختیاری این رشته به‌طور کلی به دو دسته علوم قرآن و علوم حدیث تقسیم می‌شود.

در علوم حدیث به بررسی روایات از سه منظر زیر پرداخته می‌شود.

الف) فقه الحدیث که فهم و محتوای روایت را بررسی می‌کند؛

ب) علم رجال که به بررسی احوال راویان می‌پردازد؛

ج) تاریخ و مصطلحات حدیث که در آن سخن از اصطلاحات حدیثی و تاریخ تحول و پیدایش علم حدیث است؛

و در علوم قرآن نیز از دو منظر زیر به قرآن نگریسته می‌شود.

الف) تفسیر قرآن با زیر شاخه‌های شان نزول، مفهوم آیات و...

ب) علوم قرآنی با زیر شاخه‌های مجمل و مبین، عام و خاص، محکم و متشابه، منطوق و مفهوم و...

سپس از ترم چهارم به بعد، در راستای گذراندن ۳۵ واحد اختیاری مذکور، دانشجویان به انتخاب خود از میان شش

بسته ۳۵ واحدی اختیاری یکی را برگزیده و می‌گذرانند. این شش بسته شامل موضوعات زیر می‌باشد:

۱_ علوم حدیث

۲_ علوم قرآن

۳_ تربیت دبیر آموزش قرآن و حدیث

۴_ تربیت مربی آموزش قرآن و حدیث



۵_ هنرهای قرآنی

۶_ حوزه فرهنگ و رسانه

همچنین این رشته در مقطع کارشناسی ارشد دارای گرایش‌های متعددی بوده که به ۴ گروه کلی تقسیم می‌شوند. شرح این گرایش‌ها از قرار زیر می‌باشد:

۱- قرآن و حدیث

• علوم قرآن و حدیث

• معارف قرآن

• علوم و فنون قرآنی

۲- علوم حدیث

۳- علوم قرآن

۴- تفسیر

• علوم حدیث - گرایش اقتصاد اسلامی

• علوم حدیث - تفسیر اثری

• نهج البلاغه - اخلاق و تربیت فردی

• نهج البلاغه - اخلاق اجتماعی سیاسی و حقوق عمومی

• نهج البلاغه - اصول و معارف علوی

• علوم حدیث - گرایش نهج البلاغه

• علوم حدیث - گرایش کلام و عقاید

• تفسیر و علوم قرآن

به علاوه هر یک از این گرایش‌ها به دو صورت مختلف آموزش محور یا پژوهش محور به اختیار دانشجویان گرامی در دانشگاه‌های مختلف کشور ارائه شده و در مقطع دکتری آن نیز در دو بخش پژوهشی و آموزشی ارائه می‌گردد.

بازار کار رشته علوم قرآن و حدیث

مهمترین عناوین مشاغل قرآنی شناسایی شده در طرح مشاغل قرآنی در سه حوزه کلی آموزشی، علمی - پژوهشی و تبلیغی - ترویجی قابل ارائه است.

مشاغل حوزه آموزشی: مدیر مراکز آموزش عمومی قرآن، مدیر مراکز آموزش تخصصی قرآن، کارشناس آموزش‌های عمومی و تخصصی قرآنی، کارشناس مؤلف متون آموزشی قرآنی، کارشناس کارگاه آموزشی قرآن کریم، مدرس آموزش‌های عمومی قرآنی، مدرس تلاوت قرآن، مدرس تربیت مربی و معلم قرآن، مدرس علوم قرآنی، مدرس ترجمه تفسیر و معارف قرآنی، مدرس هنرهای قرآنی (قرآن نگار)

مشاغل حوزه علمی - پژوهشی: مدیر مراکز پژوهشی قرآنی، مدیر طرح‌های پژوهشی قرآنی، مدیر یا کارشناس نشریات تخصصی قرآنی، مدیر یا کارشناس همایش‌های تخصصی قرآنی، مدیر یا کتابدار کتابخانه‌های تخصصی قرآنی، کارشناس ترجمه و تفسیر قرآن، کارشناس علوم و معارف قرآنی، نسخه شناس آثار قرآنی، مفسر قرآن، مترجم قرآن و آثار قرآنی، پژوهشگر علوم و معارف قرآنی (پژوهشی، آموزشی و تبلیغی ترویجی)

مشاغل حوزه تبلیغی - ترویجی: مدیر مطبوعات و نشریات قرآنی، مدیر یا کارشناس شبکه‌های رادیویی قرآنی، مدیر یا



کارشناس شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای قرآنی، مدیر یا کارشناس شبکه‌های اینترنتی قرآنی، مدیر یا کارشناس خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی قرآنی، مدیر نشر مصحف (قرآن کریم)، مدیر یا کارشناس تولید و توزیع محصولات قرآنی (نرم افزارهای قرآنی، لوح‌های آموزشی و ...)، مدیر مراکز قرآن‌نگاری (خوشنویسی، تذهیب، طراحی، گرافیک، معرق و ...)، مدیر یا کارشناس نمایشگاه‌ها و موزه‌های قرآنی، مدیر یا کارشناس محافل جشنواره‌ها و مسابقات قرآنی، مدیر روابط عمومی مراکز قرآنی، مصحح قرآنی (نمونه خوان و ویراستار قرآنی)، قاری قرآن، مبلغ قرآنی، کاتب قرآن، مشاور قرآنی و...





فاطمه شادکام

بررسی محتوای آیه رضاع

مقدمه

اهمیت تغذیه طبیعی نوزاد سبب شده است از سوی سازمان های بهداشت جهانی همه ساله از دهم تا شانزدهم مرداد به عنوان هفته جهانی شیر مادر تعیین شود. در ایران نیز روز دهم مرداد به عنوان روز جهانی شیر مادر به رسمیت شناخته شده است. در آیات قرآن کریم، چند مورد به بحث شیردادن کودکان اشاره شده است که یکی از این موارد آیه ۲۳۳ سوره بقره می باشد و بدان آیه رضاع نیز اطلاق می شود. آیه مذکور بیانگر حکم رضاع، مدت آن و برخی احکام مربوط به دوران شیردهی فرزند و نیز حقی است که مادر در این دوران بر پدر دارد:

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كَسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ وَبَوْلِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهَا وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرِضُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَأَلْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. و مادران باید فرزندان شان را دو سال کامل شیر دهند [این حکم] برای کسی است که می خواهد دوران شیرخوارگی [کودک] را تکمیل کند. تأمین خوراک و پوشاک مادران شیردهنده به طور شایسته و متعارف بر عهده پدر فرزند است. هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی شود. نباید مادری به خاطر فرزندش زیان بیند و نه پدری برای فرزندش دچار ضرر شود [بر پدر است که مخارج مادر و کودک را در حد متعارف بپردازد و بر مادر است که بیش از طاقت مالی شوهر، از شوهر طلب خوراک و پوشاک نکند] و [چنانچه پدر کودک از دنیا برود] هزینه مادر و کودک به اندازه متعارف [از میراث به جای مانده] بر عهده وارث است و اگر پدر و مادر بر اساس توافق و مشورت شان بخواهند کودک را [پیش از دو سال] از شیر بگیرند، گناهی بر آنان نیست و اگر بخواهید برای فرزندان تان دایه بگیرید، گناهی بر شما نیست، در صورتی که مزدی را که باید بپردازید، به طور شایسته و متعارف بپردازید و از خدا پروا کنید و بدانید یقیناً خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست.

۱. شیردهی و مدت آن

قرآن کریم با تعبیرهایی کوتاه و پرمحتوا به مسئله رضاع می پردازد و جزئیات آن را تبیین می کند؛ نخست می فرماید مادران، فرزندان خود را دو سال کامل شیر بدهند. در این بخش از آیه، حق شیردادن در دو سال شیرخوارگی به مادر داده



شده است. همچنین حق حضانت کودک در این مدت از آن مادر است؛ درعین حال که ولایت اطفال صغیر نیز بر عهده پدر می باشد، اما از آنجاکه تغذیه جسم و جان نوزاد با شیر مادر و عواطف او پیوند دارد، این حق در این دوران به مادر داده شده است و حکم آن علاوه بر زنان غیر مطلقه، بر دیگر زنانی که در این دوران از همسر خود جدا می شوند نیز اطلاق می گردد. سپس در ادامه می فرماید این حکم برای کسی است که بخواهد دوران شیردهی را کامل کند و بدین معناست که لزوماً نیازی به دوسال کامل بودن مدت شیردهی نیست و مادران می توانند باتوجه به وضع نوزاد و سلامت جسم او از این مدت بکاهند. امام علی علیه السلام در تفسیر این بخش از آیه می فرماید:

مَا كَانَ فِي الْوَالِدَيْنِ فَهْوَ رِضَاعٌ وَلَا رِضَاعٌ بَعْدَ فِطَامٍ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّمَ الرِّضَاعَةَ: شیردادن به طفل در آن دو سال، عنوان شیردهی دارد و شیردادن پس از گرفتن شیر از شیرخوار، عنوان شیردهی ندارد. خداوند فرمود: وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّمَ الرِّضَاعَةَ.^۱

امام صادق علیه السلام می فرماید:

عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَا رِضَاعَ بَعْدَ فِطَامٍ. قَالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا الْفِطَامُ؟ قَالَ: الْحَوْلَانِ اللَّذَانِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: از حمّادبن عثمان نقل شده است که از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود: پس از فطام [گرفتن کودک از شیر] شیردهی نامیده نمی شود. به حضرت عرض کردم: جانم به فدای شما باد! منظور از فطام چیست؟ حضرت پاسخ داد: منظور، همان دو سالی است که خداوند عزّوجلّ فرموده است.^۲

۲. تأمین نیازهای مادر

هزینه زندگی مادر مانند غذا و لباس، حتی در صورت جدایی، در دوران شیردهی بر عهده پدر نوزاد است که مادر با خیال آسوده بتواند به فرزندش شیردهد. آن هم فرزندی که میوه دل پدر نیز بوده و در آیه شریفه به جای لفظ آب - والد (پدر) با تعبیر «المولود به» (کسی که فرزند برای او متولد شده) از او یاد شده است؛ بنابراین در ادامه آیه می فرماید: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا؛ تأمین خوراک و پوشاک مادران شیردهنده به طور شایسته و متعارف بر عهده پدر فرزند است. هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی شود». همچنین با قید «بِالْمَعْرُوفِ» بر این امر تأکید می نماید که پدران در مورد لباس و غذای مادر ملزم به تهیه آنچه که شایسته و مناسب شأن اوست، بوده و نباید در این امر، اسراف و سخت گیری کنند و هرکس نیز به اندازه توانایی هایش تکلیف شده است. از همین رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در ذیل این بخش از آیه می فرماید: «فَإِذَا انْتَهَيْنَ وَ أَطْعَمْتُمْ فَعَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۳ اگر زنان، دوران شیردهی را به پایان رسانند و از شما اطاعت کنند، خوراک و پوشاک آنها [در این مدرت] به طور شایسته بر عهده شماست».

۳. ضرر نرساندن به نوزاد

خداوند در ادامه می فرماید: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ؛ نباید مادری به خاطر فرزندش زیان ببیند، و نه پدری برای فرزندش دچار ضرر شود [بر پدر است که مخارج مادر و کودک را در حدّ متعارف پردازد، و بر مادر است که بیش از طاقت مالی شوهر از شوهر طلب خوراک و پوشاک نکند]». این بخش از آیه حکم جدیدی را بیان می کند؛ که پدر و مادر اگر با یکدیگر اختلافی دارند این اختلاف نباید به کودک ضرر روحی و جسمانی برساند، برای مثال مرد اجازه ندارد که

۱. دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضاء و الاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام، ج ۲، ص ۲۴۱

۲. الکافی، ج ۵، ص ۴۴۳

۳. بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار، ج ۳، ص ۳۴۸





حق حضانت مادر را باگرفتن نوزاد در دوران شیردهی از او پایمال سازد و زن نیز اجازه ندارد به بهانه‌های گوناگون از شیردادن به کودک خودداری کند و پدر را از دیدن کودک محروم سازد.

در تفسیر این آیه نقل دیگری نیز گفته شده است که احتمال داده‌اند که پدر اجازه ندارد از ترس باردارشدن زن و در نتیجه زیان دیدن شیرخوار، حق زناشویی آن را پایمال کند، و حتی زن نیز اجازه ندارد که شوهر را از این حق به‌همین دلیل بازدارد. در روایتی نیز از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

الصَّادِقُ علیه السلام. عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا نُضَارُّ وَالِدَةَ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودَ لَهَا بَوْلِدِهِ فَقَالَ كَانَتْ الْمَرَاضِعُ مِمَّا تَدْفَعُ إِخْدَاهُنَّ الرَّجُلُ إِذَا أَرَادَ الْجَمَاعَ تَقُولُ لَا أَدْعُكَ إِنِّي أَخَافُ أَنْ أَحْبَلَ فَأَقْتُلَ وَلَدِي هَذَا الَّذِي أَرْضِعُهُ وَكَانَ الرَّجُلُ تَدْعُوهُ الْمَرْأَةُ فَيَقُولُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ أُجَامِعَكَ فَأَقْتُلَ وَلَدِي فَيَدْفَعُهَا فَلَا يُجَامِعُهَا فَنَهَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْ ذَلِكَ أَنْ يُضَارَّ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ وَالْمَرْأَةَ الرَّجُلَ؛^۱ أبو الصَّبَّاحِ كِنَانِيٌّ يَقُولُ: تَفْسِيرُ آيَةِ: لَا نُضَارُّ وَالِدَةَ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودَ لَهَا بَوْلِدِهِ رَأَى إِمَامَ صَادِقٍ علیه السلام بِرِسْمِهِ وَحَضْرَتِ پَسَخِ دَاد: يَكِي از زنان شیرده مرد خود را از جماع منع می‌کرد و می‌گفت: «به تو اجازه آمیزش نمی‌دهم؛ زیرا می‌ترسم از اینکه حامله شوم و [به‌خاطر مشغولیت بارداری و رهاشدن بچه شیرخوار] این فرزندم که به او شیر می‌دهم را بکشم». مرد، زن خود را از جماع منع می‌کرد و می‌گفت: «می‌ترسم از اینکه با تو آمیزش کنم و [با این کار موجبات کم‌توجهی تو به بچه شیرخوار را فراهم کنم و کاری کنم گویا] که فرزندم را، خودم بکشم». از این رو از زن خود دوری و با او آمیزش نمی‌کرد پس خداوند نهی فرمود از اینکه زن و مرد به یکدیگر ضرر برسانند».

و تعبیر «ولدها» و «ولده» برای تشویق پدر و مادر جهت رسیدگی و رعایت احوال کودک است؛ اینکه کودک متعلق به هر دوی آنها می‌باشد نه مطابق رسوم جاهلیت که تنها فرزند را متعلق به پدر می‌دانستند و برای مادر هیچ سهمی قائل نبودند.

۴. وارث نوزاد

اگر پدر کودک فوت شده باشد، پرداخت نفقه و تأمین نیاز مادر که بر عهده پدر بوده بر وراثت او واگذار می‌شود؛ یعنی بر آنان است که تمام نیازهای مادر را در دوران شیردهی تأمین کنند. در همین راستا روایتی از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است که حضرت می‌فرمایند: «هُوَ فِي النَّفَقَةِ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ مَا عَلَى الْوَالِدِ»^۲ در پرداختن نفقه به زن شیرده، حکم وارث، مثل حکم پدر است» و در روایتی دیگر به نقل از امام علی علیه السلام آمده است که فرمودند: «عَلَى وَارِثِ {الصَّبِيِّ الَّذِي يَرْتُهُ} إِذَا مَاتَ أَبُوهُ مَا عَلَى أَبِيهِ {مِنْ} نَفَقَتِهِ وَ رِضَاعِهِ»^۳ پرداخت نفقه و مزد شیردهی که بر عهده پدر است، در صورت فوت پدر بر وارث او واجب می‌شود». در نتیجه اگر پدر نوزاد فوت شده باشد، تأمین نیازهای زندگی مادر و نوزاد بر عهده وراثت او می‌باشد.

۵. از شیر گرفتن نوزاد

خداوند در ادامه به مسئله از شیر گرفتن نوزاد اشاره می‌کند و می‌فرماید: «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا؛ و اگر پدر و مادر بر اساس توافق و مشورتشان بخواهند کودک را [قبل از دو سال] از شیر بگیرند، گناهی بر آنان نیست». باتوجه به اینکه مدت زمان شیردهی از قبل مشخص شده است، اما خداوند متعال به پدر و مادر اختیار داده است که هر موقع که صلاح می‌دانند باتوجه به وضعیت جسمی و روحی کودک با مشورت و توافق یکدیگر کودک را از شیر

۱. تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۱، ص ۴۵۷

۲. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۲۱

۳. دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام، ج ۲، ص ۲۵۶

بازدارند. از همین رو در روایتی از امام صادق علیه السلام در کتاب شریف کافی ذیل تفسیر این آیه آمده است که حضرت می فرماید: «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ قَبْلَ ذَلِكَ كَانَ حَسَنًا وَ الْفِصَالُ هُوَ الْفِطَامُ؛^۱ و اگر پدر و مادر با رضایت یکدیگر بخواهند که کودک را زودتر از دو سال، از شیر بازگیرند عمل نیکویی می باشد؛ و فصال در آیه به معنای از شیر گرفتن کودک است».

توصیه های قرآن به مشورت در امر بازگرفتن نوزاد از شیر نشان دهنده این است که توجه به شرایط روحی و جسمانی نوزاد و مادر بسیار اهمیت دارد و امر بازداشتن از شیر نباید بگونه ای باشد که باعث آسیب روحی و جسمانی به کودک بشود.

۶. اختیار کردن دایه

گاهی اوقات مادر از حق حضانت و نگهداری فرزند خودداری می کند و یا برای او مانعی پیش می آید که شرایط نگهداری و شیردهی به کودک را ندارد؛ از همین رو خداوند در ادامه آیه می فرماید: «وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ؛ و اگر بخواهید برای فرزندان دایه بگیرید، گناهی بر شما نیست، در صورتی که مزدی را که باید بپردازید به طور شایسته و متعارف بپردازید»؛ بنابراین بر این اساس، اگر چنین شرایطی پیش آمد، در صورت تمایل، می توان دایه ای برای نوزاد گرفته شود تا از او نگهداری بکند. البته، پدر یا وراث کودک موظف هستند که حق مادر را که در گذشته وظایفی داشته و زحماتی را متحمل شده به طور شایسته پرداخته و سپس برای نوزاد دایه ای اختیار کنند. از همین رو نقل است که امیرالمؤمنین علیه السلام درباره مردی که پیش از مرگش، دایه ای را برای شیردادن به کودک شیرخوارش انتخاب کرده بود، دستور دادند که مزد دایه کودک را از مالی که او از پدر و مادرش به ارث برده است، بپردازند.^۲

علاوه بر تفسیر فوق، که بیان کننده لزوم رضایت طرفین برای گرفتن دایه برای نوزاد و ضایع نشدن حقوق مادر بود، تفسیر دیگری نیز ذیل جمله «إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ» از سوی مفسران ارائه شده است؛ که این بخش از آیه ناظر بر رضایت شخص پدر و مادر بر اختیار کردن دایه برای نوزاد است که این تفسیر در حقیقت تأکیدی بر تفسیر اول بوده و دارای نقل ضعیف تری می باشد.

بنابراین، در نهایت می توان علت حکم گرفتن دایه برای نوزاد را چنین بیان نمود که از آنجاکه شیر مادر غذایی کامل برای کودک است و هیچ جایگزینی ندارد، خداوند در این آیه بر این حکم امر فرموده است که در صورت عدم توانایی مادر به شیردهی دایه ای را برای کودک اختیار نموده و او را از چنین غذای کاملی محروم نسازید و از آنجاکه شیر مادر بر روی کودک اثر وضعی دارد، در اقوالی از معصومان علیهم السلام بر این امر تأکید شده که دایه ای برای کودک خود بگیرید که کم عقل، بدکاره و دارای ضعف چشم نباشد؛ زیرا شیر آن امراض را سرایت می دهد.^۳

نتیجه

خداوند متعال در آیه ۲۳۳ سوره بقره درباره رضاع کودک سخن می گوید و احکام آن را بیان می کند؛ که کودک باید به مدت دو سال کامل شیر بخورد و اگر پدر و مادر تصمیم داشته باشند که کودک را زودتر از شیر بازدارند باید مشورت کرده و شرایط جسمانی و روحی کودک را در نظر داشته باشند که مبدا کودک آسیب ببیند، و پدر موظف است در این دوران زمینه

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۷

۲. قَصَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي رَجُلٍ تُوْفِيَ وَ تَرَكَ صَبِيًّا فَاسْتَرْضِعَ لَهُ فَقَالَ أَجْرُ رَضَاعِ الصَّبِيِّ مِمَّا يَرِثُ مِنْ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ؛ الکافی، ج ۶، ص ۴۱.

۳. الرَّسُولُ صلی الله علیه و آله لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ وَ لَا الْعَمَسَاءَ فَإِنَّ اللَّبَنَ يُعْدِي. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۳۲۳) و امیرالمؤمنین علیه السلام - تَوْفُوا عَلَيَّ أَوْلَادَكُمْ مِنْ لَبَنِ

الْبَغِيِّ مِنَ النَّسَاءِ وَ الْمَجْنُونَةِ فَإِنَّ اللَّبَنَ يُعْدِي؛ تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۰، ص ۱۵.



آسایش و آرامش مادر و کودک را فراهم سازد و اگر پدر کودک فوت شده باشد بر عهده وراثت است که نیازهای معیشتی مادر و کودک را فراهم سازند و اگر مادر توانایی شیردهی نداشته یا اصلاً تمایلی به نگهداری از کودک خود نداشته باشد، سایر والدین اجازه دارند که برای نوزاد دایه‌ای اختیار ساخته تا به کودک رسیدگی کند و در این درصورت، بر آنان است که در ابتدا، حق و حقوق مادر کودک را پرداخت بنمایند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. عیاشی محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، مکتبه الاسلامیه، ایران - تهران ۱۳۸۰ ه. ق
۳. کلینی محمدبن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران ۱۴۰۷ ه. ق
۴. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم ۱۳۸۵ ه. ق
۵. مجلسی محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار، دار إحياء التراث عربی، بیروت ۱۴۰۳ ه. ق
۶. شیخ حر عاملی محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم ۱۴۰۹ ه. ق
۷. مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه، ایران - تهران ۱۳۷۱





فاطمه عباسی

احکام ازدواج همسران با یکدیگر پس از جاری شدن طلاق سوم

گاه در زندگی مشترک افراد مسائل و مشکلاتی به وجود می‌آید که ادامه زندگی آنان را در کنار هم طاقت فرسا، یا مملو از مفاسد می‌گرداند، از همین رو در دین اسلام امر طلاق حلال و امکان پذیر قرار داده شده است، اما با این حال این امر در روایات اسلامی مورد مذمت شدید قرار گرفته و از آن به‌عنوان مبغوض‌ترین و منفورترین حلال الهی یاد گردیده است. چنان که در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «ما مِنْ شَيْءٍ أَنْفَضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يَخْرُبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالْفُرْقَةِ يَعْنِي الطَّلَاقَ؛^۱ هیچ عملی منفورتر، نزد خداوند متعال از این نیست که اساس خانه ای در اسلام با جدائی (یعنی طلاق) ویران گردد» و در حدیثی دیگر از امام صادق ﷺ آمده است: «ما مِنْ شَيْءٍ مِمَّا أَخْلَهُ اللَّهُ أَنْفَضَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ؛^۲ چیزی از امور حلال، در پیشگاه خدا مبغوض‌تر از طلاق نیست». حتی، در روایتی دیگر از پیامبر اکرم ﷺ از آن به‌عنوان امری که عرش خدا را به لرزه درمی‌آورد یاد شده است: «تَزَوُّجُوا وَ لَا تُطَلِّقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَرُ مِنْهُ الْعَرْشُ؛^۳ ازدواج کنید و طلاق ندهید که طلاق عرش خدا را به لرزه درمی‌آورد!». حال آنکه، علت این امر بر کسی پوشیده نیست چنان‌که، مشکلات عدیده‌ای را از قبیل مسائل عاطفی و اجتماعی برای خانواده‌ها، زنان و مردان و مخصوصاً برای فرزندان، به وجود می‌آورد.^۴

از همین رو در دین اسلام، احکام ویژه‌ای برای امر طلاق قرار داده شده است تا در آن هرچه بیشتر از این پدیده منفور جلوگیری نموده و به استحکام زندگی افراد کمک بنماید.

بر اساس آیات قرآن کریم چنان‌که مردی همسر خود را برای بار اول یا دوم طلاق بدهد امکان رجوع دوباره به همسر خود و ازدواج با او را دارد. چنان‌که که حتی، در این طلاق‌ها در صورت آنکه زوجین تا قبل از پایان عده طلاق قصد برگشت به یکدیگر را بنمایند، بدون جاری شدن صیغه عقد می‌توانند به یکدیگر بازگردند.^۵ اما چنان‌که، مردی برای بار سوم همسر خود را طلاق بدهد، نه‌تنها امکان بازگشت به او در مدت عده را ندارد بلکه، تنها در صورت تحقق شروط بسیار سختی امکان ازدواج دوباره او با همسر خود (با مهریه‌ای جدید) برای او فراهم می‌گردد. در آیه ۲۳۰ سوره بقره به ذکر این شروط دشوار پرداخته شده که می‌توان از جمله علل آن را جلوگیری هرچه بیشتر از وقوع طلاق و فروپاشی خانواده‌ها و کمک به بخشیدن استحکام بیشتری به زندگی‌ها دانست؛ بنابراین این آیه شریفه دارای اهمیت بسیار زیادی از این جهت می‌باشد. خداوند در این آیه می‌فرماید:

۱. وسائل الشیعه، جلد ۱۵، ص ۲۶۶، ح ۱.

۲. همان، جلد ۲۲، صفحه ۸، ح ۵.

۳. همان، جلد ۱۵، صفحه ۲۶۸، ح ۷.

4. <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=42&lid=0&catid=27503&mid=319715>.

۵. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۷۴ و ۷۵.





فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَ تَلَكَ حُدُودَ اللَّهِ يَبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ؛ پس اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار سوم) او را طلاق داد، آن زن بر وی حلال نخواهد بود، مگر آنکه با همسری غیر از او ازدواج کند و اگر (همسر دوم) او را طلاق داد بر وی و شوهر اول گناهی نیست به یکدیگر بازگردند، در صورتی که امیدوار باشند حدود الهی را (در روش همسر داری) رعایت می‌کنند و اینها حدود خداست که آن را برای گروهی که دانایند بیان می‌کند.

در روایتی از امام باقر^ع آمده است که مراد از طلاق در اینجا طلاق سوم بوده^۱ و بر اساس این آیه چنان که مردی همسر خود را برای بار سوم طلاق بدهد، امکان ازدواج با آن زن (چنان‌که ازدواج او با مادر یا خواهر خود حرام است) از بین رفته و این امکان تنها در صورت ازدواج دوباره زن با مردی دیگر و سپس جداسازی او، پس از پایان عده طلاق، برایش فراهم می‌گردد.

در فقه اسلامی به همسر دوم، از آنجاکه باعث حلال شدن زن (البته بعد از طلاق و عده) به همسر اولش می‌شود «مُحَلِّل» می‌گویند. که البته ازدواج با محلل نیز دارای شرایطی است که در صورت نبود هر یک از آنها جواز ازدواج دوباره زن با همسر اولش صادر نمی‌شود.

یکی از این شرایط دائمی بودن ازدواج زن با فرد محلل است. زیرا در آیه شریفه آمده است «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا» و طلاق تنها در رابطه با عقد دائم قابل تصور است و این بدان معناست که اگر ازدواج زن با مرد دیگر به صورت عقد موقت و نه دائم باشد، در این شرایط نیز پس از پایان دوره صیغه، بازگشت دوباره زن به شوهر اولش جایز نبوده و تنها در صورت ازدواج دائم زن با مردی دیگر و سپس جداسازی او از شوهر دوم این شرط محقق می‌شود. چنان‌که در روایتی از امام صادق^ع نیز در این باره آمده است:

فی رجل طلق امرأته ثم تركها حتى انقضت عدتها ثم بزوجها . ثم طلقها من غير أن يدخل بها حتى فعل ذلك بما ثلاثا . قال: لا تحل له حتى تنكح زوجاً غيره؛^۲ مردی زن خود را طلاق داده و سپس با او متارکه کرده تا آنکه عده آن زن به پایان رسیده. سپس با او ازدواج کرده و سپس او را طلاق داده است؛ بدون آنکه با او آمیزش کند و به همین ترتیب، او را سه بار طلاق داده است. [حکم این مرد چیست؟] حضرت پاسخ داد: آن زن تا با مردی غیر از شوهر سابق خود، ازدواج (دائم) نکند، بر شوهر سابق خود حلال نمی‌شود.

شرط دیگر ازدواج با محلل اقدام به عمل زناشویی به دنبال اجرای عقد است و این بدان دلیل است که در آیه شریفه با عبارت «حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ» به ازدواج زن با مرد دیگر برای بازگشت به همسر اول خود حکم شده است و این عبارت به معنای آمیزش جنسی است. زیرا به گفته بعضی از ادبای عرب از عبارت «نکح فلان فلانة» معنای بسته شدن عقد، و از عبارت «نکح زوجته» معنای انجام آمیزش جنسی فهمیده می‌شود؛^۳ بنابراین بنا به حکم آیه شریفه ازدواج با محلل تنها در صورت عقد همراه با عمل زناشویی می‌تواند، حکم جواز بازگشت دوباره زن به همسر اول خود پس از جدایی از محلل را صادر بنماید. چنان‌که در روایتی از امام باقر^ع نیز در این باره آمده است:

الباقر^ع: مَنْ طَلَّقَ ثَلَاثًا وَ لَمْ يُرَاجِعْ حَتَّى تَبَيَّنَ فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِذَا تَزَوَّجَتْ { زَوْجًا } وَ دَخَلَ بِهَا

۱. قال: قال أبو عبد الله ع في قوله: «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ» هي هاهنا التولية الثالثة، فإن طلقها الأخير - فلا جناح

عليهما أن يتراجعا بتزويج جديد؛ تفسير العياشي، ج ۱، ص ۱۱۶

۲. تفسير العياشي، ج ۱، ص ۱۱۹

۳. مفاتيح الغيب، جلد ۶ صفحه ۱۰۴.

حَلَّتْ لِرِزْوَجِهَا الْأَوَّلِ؛ کسی که سه بار زن را طلاق دهد و رجوع نکند تا زن جدا شود، فقط در صورت ازدواج زن با فرد دیگر [و طلاق گرفتن از او]، این زن بر مرد سابق حلال می‌شود پس هرگاه زن به عقد دیگری درآمد و با او هم بستر شد، ازدواج با همسر اول برای او بلامانع می‌گردد.

تا آنجا که حتی در روایتی از امام رضا^ع چنین آمده است که مرد عقیم شرایط محلل واقع شدن را ندارد. سَأَلْتُ الرَّضَاَ عَنِ الْخَصِيِّ يُحِلُّ؟ قَالَ: لَا يُحِلُّ؛ از امام رضا^ع پرسیدم: «مرد عقیم [و خواجه] می‌تواند سبب حلال شدن زن بر شوهر سابق [پس از سه طلاقه کردن] شود؟» حضرت پاسخ داد: «نه! او موجب حلال شدن نمی‌شود». در حقیقت علت صدور چنین حکمی را می‌توان پدید آوردن مانعی بزرگ بر سر راه ادامه جریان طلاق و طلاق کشی دانست. زیرا به دلیل شرایط سخت این حکم غیرت مردانه برانگیخته شده و در اثر آن، از آزردن زنان با طلاق‌ها و رجوع‌های متعدد به آنان از سوی همسرانشان خودداری می‌گردد.

علاوه بر دو شرط مذکور، منظور از ازدواج زن با مرد دیگری غیر از شوهر خود نیز باید ازدواجی قطعی و جدی باشد و ازدواج زن با مرد دیگری به صورت صوری و ساختگی و تنها به قصد محقق ساختن عنوان محلل باطل می‌باشد. همچنین زنی نیز که پس از سه بار طلاق داده شدنش، به صورت نامشروع وارد رابطه با مرد دیگری بشود نیز بر شوهر خود حلال نشده و همچنان بازگشت دوباره او به همسر سابق خود شرعاً غیر ممکن می‌باشد. چنان‌که در روایتی از امام باقر^ع در این باره آمده است:

الصَّادِقُ^ع: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا^ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ ثَلَاثًا ثُمَّ قَمَّعَ فِيهَا رَجُلًا آخَرَ هَلْ يُحِلُّ لِلأَوَّلِ؟ قَالَ: لَا؛^۲ درباره مردی سؤال کردم که سه بار زنش را طلاق داد، سپس مرد دیگری از آن زن بهره جنسی (بهره نامشروع) برد؛ «آیا زن به مرد اول حلال است؟» فرمود: «نه»

منابع

۱. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۴.
۲. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ق.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الروضة من الکافی / ترجمه رسولی محلاتی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۴.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
7. <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=42&lid=0&catid=27503&mid=319715>.

۱. بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۸

۲. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۴۷۵

۳. الکافی، ج ۵، ص ۴۲۵





بررسی روایت «اعذبوا النساء ما استطعتم»

بهناز محمد کاظمی

بررسی سندی روایت

این روایت در میان مصادر شیعی نخستین بار در کتاب نهج البلاغه^۱ بخش غریب الکلامها تحت عنوان کلام شماره ۷ ذکر شده و پس از آن علامه مجلسی آن را به نقل از نهج البلاغه در بحار الأنوار^۲ آورده است.

بررسی محتوایی روایت:

امام^ع هنگامی که سپاهی را برای فرستادن به میدان نبرد بدرقه می کرد فرمود: «تا آن جا که می توانید از زنان دوری جوید»؛ (أَنَّهُ شِيعَ جَيْشاً بَغْزِيَةً^۳ فَقَالَ: اعْذِبُوا عَنِ النِّسَاءِ مَا اسْتَطَعْتُمْ).

مرحوم سید رضی در شرح این عبارت بر جمله «اعذبوا» به عنوان تعبیری فصیح و جالب تکیه کرده می گوید: معنای این سخن آن است که از یاد زنان و دل مشغولی به آنها به هنگام جنگ صرف نظر کنید و از نزدیکی با آنان امتناع ورزید، چراکه این کار، بازوان حمیت را سست و در تصمیم خلل ایجاد می کند و از حرکت سریع و کوشش در جنگ بازمی دارد و (به طور کلی) هرکس از چیزی امتناع ورزد درباره او گفته می شود «اعذب عنه»، و «العاذب» و «العدوب» به کسی گفته می شود که از خوردن و آشامیدن امتناع ورزد؛^۴ آدر بعضی از نسخ به جای «اعذبوا» «اغزبوا» آمده که به معنای دوری کردن است و هر دو واژه، قریب المعنی هستند.

شک نیست که انسان در صورتی در کار خود - مخصوصاً در میدان نبرد - پیشرفت می کند که تمام فکرش متوجه آن کار باشد؛ اما اگر فکر خود را به دو یا چند کار تقسیم کند، به همان نسبت توفیقش کمتر می شود به خصوص اگر فکر خود را به زنان مشغول دارد که او را در حال و هوای دیگری قرار می دهد و از تصمیم و اراده و قدرت و قوت او می کاهد. به ویژه اگر زنان، همراه لشکر به میدان نبرد بیایند؛ نبردی که مدتی به طول می انجامد و لشکر با آنها مقاربت کنند. به یقین از توان آنها می کاهد؛ زیرا بدیهی است که مقاربت منته به خروج ماده نطفه، بدن را سست می سازد و کثرت آن از طول عمر می کاهد. به همین دلیل امام^ع از پرداختن به فکر زن ها یا مقاربت با آنان، لشکریانش را بر حذر می دارد.

البته تعبیر به «مَا اسْتَطَعْتُمْ» دلیل بر این است که در موارد ضرورت و نیاز شدید، این نهی ارشادی استثنا شده است. قابل توجه اینکه در تاریخ اسلام می خوانیم مشرکان به عکس این دستور، در بعضی از میدان های جنگ زنان شان را با خود

۱ نهج البلاغه (للصباحی صالح)، ص: ۸۵۳

۲ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۳۳، ص: ۴۵۱

۳. در بسیاری از نسخ به جای «بغزیه» بِسْرِيَّةٍ آمده است که لفظ مناسبی است؛ زیرا ظاهر عبارت این است که امام^ع در آن جنگ حضور نداشته است و به چنین جنگی که پیغمبر و امام^ع در آن حضور ندارند «سریه» گفته می شود و در تعدادی از نسخ آمده است: «بغزیه» (از باب افعال)

به معنای فرستادن به میدان جنگ؛ اما واژه «بغزیه» ظاهراً غلط است؛ زیرا غزیه تنها اسم محلی است و تناسبی با کلام امام^ع ندارد

۴. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیر المؤمنین^ع، جلد: ۱۴، صفحه: ۲۰۱، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، ۱۳۷۵ ه. ش.



می‌آوردند و ترانه برای آنها می‌خواندند و به آنها قول می‌دادند اگر پیروز شوند با آنها همبستر گردند و یکی از عوامل سستی آنها در جنگ همین بود.^۱

بعضی از شارحان نهج البلاغه این احتمال را داده‌اند که منظور امام علیه السلام این است که مزاحمتی برای زنها تا می‌توانید ایجاد نکنید؛ زیرا رساندن آزار به غیر جنگجویان در اسلام ممنوع است.^۲

البته این احتمال برخلاف ظاهر کلام امام علیه السلام است و ظاهر کلام همان است که مرحوم سید رضی از آن استنباط کرده و غالب شارحان نیز همان را دنبال کرده‌اند. از جمله اموری که ضعف این احتمال را تأیید می‌کند چیزی است که در کتاب نهیة ابن‌اثیر درباره معنای «اعذبوا» آمده و کلام امام علیه السلام را چنین معنی می‌کند: «إِمْنَعُوا عَن ذِكْرِ النِّسَاءِ أَنْفُسَكُمْ وَ شُغْلِ الْقُلُوبِ بِهِنَّ، فَإِنَّ ذَلِكَ يَكْسِرُكُمْ عَنِ الْغَزْوِ».^۳



۱. بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۲۵

۲. توضیح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۳۸۸

۳. النهیة فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۱۹۵

گزارش فعالیت‌های انجمن

انجمن علمی قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام با لطف و عنایت پروردگار از سال ۱۳۹۸ و پس از دو سال از ورود این رشته به دانشگاه فعالیت خود را آغاز و برنامه‌های علمی، نشست‌های تخصصی و اردوهای آموزشی متعددی در راستای یادگیری بهتر دانشجویان برگزار نموده است. با شیوع بیماری کرونا و تغییر سبک برقراری کلاس‌های درسی به روش مجازی، برنامه‌های انجمن همچنان ادامه یافته و ماحصل تلاش‌های اعضای محترم آن، وینارهای علمی - پژوهشی مختلف و دیگر اقداماتی است که به شرح ذیل می‌باشد:

۱. مسابقات

- مسابقه کتاب خوانی «مهر ولایت» به مناسبت شهادت امام رضا علیه السلام
- مسابقه کتاب خوانی «قدرت و شکوه زن در کلام مقام معظم رهبری و امام خمینی علیه السلام»
- مسابقه کتاب خوانی «هنر دختر بودن به مناسبت ولادت حضرت فاطمه معصومه (س)»
- مسابقه خطاطی به مناسبت ولادت حضرت فاطمه زهرا (س)
- مسابقه خطبه خوانی غدیر به مناسبت عید سعید غدیر خم
- مسابقه حفظ سوره محمد علیه السلام به همراه معنی به مناسبت میلاد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

۲. نشست‌های علمی

- «بررسی حضور اهل بیت علیهم السلام در کربلا در اربعین حسینی» با سخنرانی جناب دکتر محسن رفعت
- «اهمیت درک صحیح اصول و فروع دین و تفاوت آنها در پاسخگویی به شبهات» با سخنرانی جناب دکتر محمد اصدق پور (دو جلسه)
- «امام صادق علیه السلام و مذاهب اربعه اهل تسنن» با سخنرانی جناب دکتر عابدین مومنی (از اساتید تقریب و مذاهب اسلامی)
- «تحلیل شبهات و هابیت در زمینه شهادت بانوی دوعالم، حضرت فاطمه زهرا (س)» با سخنرانی جناب دکتر محسن رفعت (دو جلسه)
- «بررسی خطبه فدکیه در محک معیارهای اعتبارسنجی احادیث از منظر فریقین» با سخنرانی خانم دکتر فاطمه ژیان
- «بررسی خلافت و امامت در خطبه فدکیه» با سخنرانی خانم دکتر فاطمه ژیان
- «نسب شناسی امیرالمؤمنین علی علیه السلام» با سخنرانی استاد محمدرضا جباری
- «بررسی موضوع جبر و اختیار (ناظر به کتاب تجرید الاعتقاد) و پاسخ به سوالات پیرامون آن» با سخنرانی جناب دکتر محمد اصدق پور
- «امام‌ولوژی (امام شناسی)» با سخنرانی جناب دکتر امید قربانخانی (دو دوره)
- «روش شناسی کلام و فلسفه اسلامی در مواجهه با مسئله رنج» با سخنرانی جناب دکتر حمیدرضا سروریان و دکتر محمد اصدق پور (سه جلسه)
- «شب قدر و امام زمان (عج)» با سخنرانی جناب دکتر سید ضیاءالدین علیانسنب



- «درنگی بر چرایی و چگونگی حرکت اصلاحی نهضت حسینی» با سخنرانی جناب دکتر سیدمهدی رحمتی (استادیار دانشگاه گنبدکاووس)
- «بررسی تخصصی مقاتل امام حسین (ع)» با سخنرانی جناب دکتر محسن رفعت (یک دوره)
- «بازشناخت تاریخ حدیث» با سخنرانی جناب دکتر مجید معارف (عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه تهران)

۳. نشست‌های آموزشی

- ❖ «اصول و ساختار نگارش مقاله علمی پژوهشی» با تدریس خانم دکتر انسیه عسگری
- ❖ «آموزش کار با نرم افزارهای نور (جامع الاحادیث و جامع التفاسیر)» با تدریس خانم دکتر نرگس بهشتی (دو جلسه)
- ❖ «بررسی بازارکار در رشته علوم قرآن و حدیث» با حضور جناب دکتر سیدمهدی رحمتی و استاد زهرا بصراوی
- ❖ نشست «آشنایی با رشته علوم قرآن و حدیث و گرایش‌های مقطع ارشد» با حضور خانم دکتر انسیه عسگری
- ❖ سلسله جلسات «بیان احکام شرعی» با حضور سرکار خانم بختیاری (مدرس جامعه الزهرا (س))
- ❖ کارگاه «مقاله نویسی» با تدریس خانم دکتر طیبه پرتوی راد (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی)
- ❖ کارگاه «آشنایی اولیه با PowerPoint و Word» با تدریس خانم‌ها بهناز محمدکاظمی و فاطمه آقامهدی
- ❖ کارگاه «حدیث خوانی» با حضور خانم دکتر فاطمه ژیان
- ❖ کارگاه «تکنیک‌های درک و فهم دقیق متون انگلیسی با بهره‌گیری از تحلیل ساختاری جملات با محوریت ترجمه کتاب شیعه در اسلام» با تدریس جناب دکتر سیدرحیم راستی تبار
- ❖ کارگاه‌های «آموزش گرامر و مکالمه زبان انگلیسی» با تدریس جناب دکتر امید قربانخانی (یک دوره)
- ❖ برگزاری کلاس‌های حفظ قرآن کریم

۴. نشست‌های صمیمانه

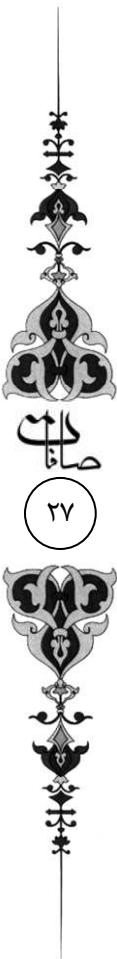
- نشست صمیمانه دانشجویان با جناب دکتر محمدکاظم رحمان ستایش (عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه قم)
- نشست صمیمانه اساتید هیئت علمی دانشگاه با دانشجویان به مناسبت روز معلم

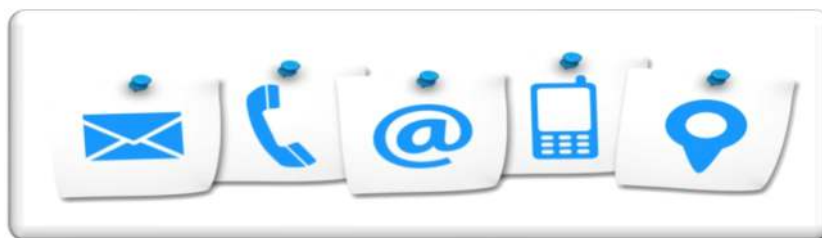
۵. بازدیدهای علمی

- ❖ بازدید علمی دانشجویان قرآن و حدیث از مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور

۶. نشریه

از دیگر فعالیت‌های انجمن تدوین و انتشار نخستین شماره نشریه علمی صفات می‌باشد که این نشریه با مدیرمسئولی دکتر سیدضیاءالدین علیانسیب و سردبیری فاطمه شادکام و با همکاری سایر دانشجویان قرآن و حدیث تدوین و منتشر شد. قابل ذکر است که انجمن علمی در تلاش است تا با برگزاری نشست‌های علمی و مسابقات فرهنگی در رشد و یادگیری دانشجویان مؤثر و مفید باشد.





راه‌های ارتباطی



رایانامه: Saffat.hmu@gmail.cpm



صفحه اینستاگرام: Quran_hadith_hmu



کانال ایتا: Quran_hadith_hmu

به منظور ارتباط حضوری،
به دفتر انجمن‌ها واقع در طبقه دوم دانشکده علوم انسانی مراجعه کنید.

